

تیمور قاتار

ه
درون های او

دکتر هاشم اعظمی

سرشناسه:	اعتماد سربابی، هاشم ۱۳۰۹
عنوان و نام پدید آور:	تیمور تاتار و خون ریزی های او، هاشم اعتماد سربابی
مشخصات نشر:	مشهد - محقق ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری:	۱۲۸ صفحه
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۸۶۷۲-۹۶-۱
موضوع:	تاریخ
روشیت فهرست نویسی:	قیما
ه بندی کنگره:	۷۹۵۳ PIR
شماره کتاب شناسی ملی:	۷۱۸۵۰۱۵



تیمور تاتار و خون ریزی های او

دکتر هاشم اعتماد سربابی

ناشر: انتشارات محقق - سال چاپ: چاپ اول ۱۳۹۳

ایستوگرافی: مشهد اسکندر

شمارگان: ۲۰۰ جلد - چاپ و صحافی: چاپ شمس

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۷۲-۹۶-۱

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

ایران وطن گرسنه ما در طول تاریخ خود بارها و بارها
مورد تاخت و تاز بیگانگان قرار گرفته است! از حمله
اسکندر مقدونی و بگفته پی‌پی تاریخ نگاران ملعون! و
آتش زدن کاخ آپادانا! تا حمله اعراب به ایرانستان بعد ترکان
غز و سپس هجوم آدمی خواران مغول و هنوز آرام نیافته!
حملات پی در پی آدم کش دیگری بنام تیمور که در یک
حمله هفتاد هزار سر از مردم اصفهان برید! و چشم‌ها را
کاسه سر بدر آورد! سرهای بی گناه پر آرزوی در جوش
زندگی! و هنوز دردهای این بهبود نیافته محمود افغان! و

سپس اشرفا! و در این اواخر! نقشه کشورهای متمدن و
 در روشنایی علم قرار گرفته غرب! و اندیشه شوم تقسیم
 ایران بین خود در ۱۹۰۷! هم چون صیدی پربها و دست
 بسته! و بعد حمله به ایرن از بالا و پایین! نیروهای انگلیس
 روس و اشغال دردناک ایران گرامی ما! و چه ستم ها
 که رفت و چه برسر مردم نجیب، که نیامد! و چه اشک
 ها که بر رخسار ما سرازیر نشد از غم در بدری و بی
 پناهی! و هنوز هم زمان نیست که چه اندیشه های بد و
 ناسزایی بر سر دارند تا این طرف عالم را تا بتوانند
 بکوبند و بروبند و آنچه دارند بیا یغما! ببرند و بعد در
 کوس بدمند که ما فرزندان ولور و دانه می و انشتاین
 هستیم و در روشنایی کمال و آدمی گری و بر گرفته! و چه
 دریغ! کی دنیا بخود می آید که این همه جور و ستم به
 مردمی خفته و آرام گرفته در شرق دور و نزدیک دنیا
 کی! چرا خاک و خون و بمب و تانک و توپ و بینوایی

برای این طرف دنیا و آن همه نور و سبزه و تازگی و نعمت برای آن طرف! نه از خواب رفتگی و کم فهمی و دور از درک درست ماندگی مردم اینطرف است! تا آنان دام بگسترند و اینان هیچ دم نزنند که روشنان فرزندان ارسطو، افلاطون! با سری پر غرور و شکمی پر اشتها بتازند و بگویند و بستی ها را بربایند و جیب خالی و سفره های تهی را بر زمین نهند! ...

اینک داستان حیرت انگیز و دردناک و پر از خون و ستم تیمور تاتار است و قتل عام های او! بهره من به جز از تاریخ درین زمینه و نوشته برخی معاصران از کتاب مختصر و سودمند تاریخ دان پر ارزش آنکه گفت: یا آن شب که صبا بر سرما گل می ریخت! و از پاریز تاریخ نویسی خبری دلدیر کرد. اکنون این دفتر خون آلود! و پر از وحشت و دیو سیرتی را می گشاییم ...

هاشم اعتماد سرابی